

حوزه تراز اسلامی

از منظر آیت‌الله حاج شیخ عبدالکریم حائری یزدی*

حامد قرائتی / دکتری شیعه‌شناسی دانشگاه ادیان و مذاهب و استادیار گروه تاریخ دانشگاه باقرالعلوم (ع)

gharaati_1359@yahoo.com

 orcid.org/0000-0002-5366-4930



<https://creativecommons.org/licenses/by-nc/4.0>

دریافت: ۱۴۰۱/۰۲/۲۰ - پذیرش: ۱۴۰۱/۰۶/۱۵

چکیده

حوزه‌های علمیه شیعه از دیرباز نقش سترگ و مستمری در صیانت، توسعه و ارتقای سطح باورهای اسلامی داشته و در عرصه‌های گوناگون اجتماعی نقش‌آفرین بوده‌اند. این توفیق به دست نیامده است، مگر با تقوا، اخلاص، جهاد، تدبیر، دقت و تیزبینی زعمای حوزه در مقاطع تاریخی. در این میان، حوزه علمیه قم با زعامت آیت‌الله حائری یزدی با تجربه فراز و نشیب‌ها و فرصت‌ها و تهدیدهای گوناگونی در عصر قاجار و پهلوی اول از فعال‌ترین و تأثیرگذارترین حوزه‌های علمیه در قرون اخیر بوده است. این تحقیق با تکیه بر آراء، مواضع و عملکرد ایشان به‌مثابه مجدد حوزه علمیه قم، حوزه تراز اسلامی در موقعیت خاص پهلوی اول از دیدگاه ایشان را واکاوی کرده و با استفاده از منابع استنادی و کتابخانه‌ای، اصولی همچون برنامه‌ریزی، علم‌آموزی، تأمین معیشت، رعایت اصول اخلاقی، جلب اعتماد عمومی، اصلاح شیوه‌ها و فرایندها را از معیارهای حوزه تراز اسلامی نسبت به طلاب و مردم از دیدگاه ایشان دانسته و اصولی همانند بصیرت، اولویت‌سنجی، تدبیر و مصلحت‌سنجی و تعدیل سیاست‌های دولتمردان را رسالت حوزه در قبال دولتمردان پهلوی اول برشمرده است.

کلیدواژه‌ها: آیت‌الله حائری یزدی، حوزه‌های علمیه، قم، حوزه تراز اسلامی، رضاخان.

آنچه جوامع و تمدن‌ها را در مسیر سعادت و کامیابی قرار می‌دهد بینش، دانش و کنش مبتنی بر حیات دینی و دنیوی است. در این میان حوزه‌های علمیه به سبب پرداختن به اعتقادات، آگاهی‌ها و عملکردهای مبتنی بر وحی و عقلائییت، نقش مؤثری در سعادت مادی و معنوی جوامع اسلامی داشته‌اند. آنچه امروزه می‌تواند به زعما و مدیران حوزه‌های علمیه در پیمودن این راه خطیر کمک کند بهره‌گیری از تجربه‌های موفق دوران‌های درخشان حوزه‌های علمیه، واکاوی شخصیت‌هایی است که در سایه توفیقات الهی با تکیه بر اخلاق و تقوا، مجموعه‌ای از تدابیر، مواضع و سیاست‌ها را در ارتقا و شکوفایی حوزه‌های علمیه به کار گرفتند و زمینه‌ساز تأثیرگذاری و موفقیت بیش از پیش حوزه‌ها در عمل به رسالت الهی خود بوده‌اند.

آیت‌الله حاج شیخ عبدالکریم حائری یزدی از معدود زعمای شیعه بود که توانست حوزه علمیه قم را پس از گذراندن دوره‌ای انفعال و خمودگی به سطحی از پویایی، نشاط، کارآمدی، تأثیرگذاری و موفقیت برساند که هریک از دانش‌آموختگان آن، خود منشأ برکات بزرگی برای جهان اسلام و ایران اسلامی گردیدند.

این تحقیق با ادعان به اهمیت و گستردگی مسئله، به‌ناچار در قامت یک مقاله به این موضوع می‌پردازد که از دیدگاه آیت‌الله حاج شیخ عبدالکریم حائری یزدی، حوزه علمیه تراز اسلامی می‌بایست چه ویژگی‌ها و مؤلفه‌هایی داشته باشد؟ در این باره که چرا دیدگاه ایشان مدنظر قرار گرفته است، باید گفت: ایشان، یک زعیم، مصلح و مجدد دینی توانست سبک جدیدی از حوزه علمیه را طراحی و اجرا نماید.

مقام معظم رهبری در خصوص آثار و دستاوردهای حوزه‌های که آیت‌الله حائری بنیان نهاد، معتقد است:

در سال ۱۳۴۰ قمری، یعنی ۷۲ سال قبل از این، آن روزی که مرحوم آیت‌الله حائری (رضوان‌الله تعالی علیه) وارد این شهر شد، از این‌همه برکات خبری نبود؛ نه در این شهر، نه در این کشور، و نه در سراسر عالم. او این حوزه را پایه‌گذاری کرد و تقریباً چهل سال بعد از آن تاریخ، یعنی در سال ۱۳۸۱ و ۱۳۸۲ قمری این نهضت آغاز شد. ببینید چقدر این ثمره به اصل نزدیک است! و بطور آن اخلاصی که نشاننده این‌نهال، یعنی نهال حوزه علمیه در وجود خود داشت، به ثمر نشست، تا این نهضت پدید آمد و نشاننده نهال نهضت، یعنی آن معلم نسل کنونی و نسل‌های آینده بشر، آن مرد خدای آن بنده صالح، آن رهرو راه پیامبران با اخلاص خود، چه کرد که این نهال تا امروز این‌همه ثمرات بخشیده است که شما آنها را در سراسر عالم می‌بینید؛ و یکی از ثمرات آن تلاش در کشور ایران، تشکیل جمهوری اسلامی با همه برکاتش است، و در جاهای دیگر، بیداری مسلمین و بقیه قضایاست.^۱

این تحقیق با استفاده از روش «توصیفی - تحلیلی» و تکیه بر کتاب‌ها و گزارش‌هایی سامان یافته است که می‌تواند انعکاس‌دهنده آراء ایشان در موضوع شاخصه‌های محوری شکل‌گیری حوزه علمیه تراز اسلامی باشد. با وجود انتشار آثار متعدد و ارزشمندی در خصوص زندگی‌نامه و احوال فردی و اجتماعی آیت‌الله حائری، این مسئله کمتر مدنظر قرار گرفته است. برخی از آثار که به صورت عمومی به زندگانی و فعالیت‌های ایشان اشاره کرده عبارتند از:

– مقاله «زندگینامه آیت‌الله حاج شیخ عبدالکریم حائری یزدی به روایت محمدعلی صفوت تبریزی»، تألیف رحیم نیکبخت؛

– مقاله «ضرورت وحدت امت اسلام در نگاه آیت‌الله شیخ عبدالکریم حائری»، از حامد نظریور؛

– مقاله «مروری بر زندگی آیت‌الله حاج شیخ عبدالکریم حائری یزدی بنیانگذار حوزه علمیه قم به روایت اسناد»، اثر داود امینی؛

– مقاله «رفتارشناسی سیاسی آیت‌الله حائری»، نگارش علی‌اکبر ذاکری؛

– کتاب **آیت‌الله مؤسس مرحوم آقای حاج شیخ عبدالکریم حائری**، نگاشته علی کریمی جهرمی؛

– کتاب **حضرت آیت‌الله حاج شیخ عبدالکریم حائری و تحولات سیاسی، اجتماعی دوران معاصر**، نگارش ذکرائه محمدی؛

– کتاب **مؤسس حوزه**، تألیف سیدمحمد کاظم شمس و دیگران؛

– کتاب **سر دلبران: عرفان و توحید ناب در ضمن داستان‌ها**، از مرتضی حائری یزدی؛

– کتاب **بررسی عملکرد سیاسی آیت‌الله حاج شیخ عبدالکریم حائری یزدی**، اثر فرزانه نیکوبرش؛

– کتاب **علما و رژیم رضاشاه**، نگارش حمید بصیرت‌منش.

از مجموع آثار پیش گفته، مقاله آقایان علی‌اکبر ذاکری و حامد نظریور دارای قرابت روشی با مقاله حاضر است.

مرا از «حوزه علمیه تراز اسلامی» در این تحقیق، حوزه‌ای مبتنی بر اصول و مبانی اسلامی در تعامل با طلاب، عموم جامعه و سلطنت است؛ مجموعه‌ای که وظیفه‌اش تربیت و تعلیم عالمان دینی باشد.

۱. مروری بر حیات حوزوی آیت‌الله حائری یزدی

آیت‌الله حاج شیخ عبدالکریم حائری یزدی در سال ۱۲۷۶ش و در خانواده‌ای مذهبی در مهرجرد متولد شد. او تنها فرزند خانواده بود و پس از تحصیلات مقدماتی در عقدا و به پیشنهاد یکی از بستگان، برای تحصیل به اردکان رفت، اما چیزی نگذشت که به علت فوت پدر به مهرجرد، نزد مادرش بازگشت و به نگهداری از وی همت گمارد. علاقه او به ادامه تحصیل موجب شد تا بار دیگر عازم سفر گردد و این بار مدرسه علمیه «محمدتقی خان» یزد مقصد او بود. در این مقطع، ادبیات و برخی دیگر از علوم دینی را نزد بزرگانی همچون سیدحسین واصق (۱۳۰۷ق) و سیدیحیی بزرگ (مجتهد یزدی) فراگرفت.

اشتیاق او به تحصیل علم در کنار تعهد و مسئولیت اخلاقی، موجب شد تا وی در سال ۱۲۹۸ق برای ادامه تحصیل به همراه مادرش عازم کربلا گردد. او در کربلا و تحت اشراف محمدحسین فاضل اردکانی به تکمیل تحصیلات علمی پرداخت و با شنیدن آوازه حوزه سامراء و برای بهره‌مندی از میرزای بزرگ شیرازی در سال ۱۳۰۰ق عازم سامراء شد. در سامراء از محضر استادانی مثل شیخ فضل‌الله نوری (۱۳۲۷ق)، میرزاابراهیم محلاتی شیرازی (۱۳۳۶ق) و میرزامهدی شیرازی (۱۳۸۰ق) بهره برده و سپس از دروس خارج فقه و اصول سیدمحمد فشارکی (۱۳۱۶ق) و میرزامحمدتقی شیرازی (۱۳۳۸ق) و میرزامحمدحسن شیرازی (۱۳۱۲ق) استفاده کرد.

او پس از درگذشت میرزای شیرازی و در سال ۱۳۱۲ق به همراه استاد خود سیدمحمد فشارکی از سامراء به نجف رفت و علاوه بر بهره‌مندی از درس مرحوم فشارکی از استادان بزرگی مانند آخوند خراسانی (م ۱۳۳۹ق) و سیدمحمد کاظم یزدی (م ۱۳۳۷ق) بهره برد. سرایت مناقشات سیاسی مرتبط با مشروطه به حوزه نجف و برخی امور دیگر، وی را بر آن داشت تا شهر نجف را ترک گوید و مجدداً عازم حوزه کربلا گردد. او تا سال ۱۳۳۲ق در کربلا اقامت گزید و شاید در همین زمان عنوان «حائری» را برای خود برگزید. اعتماد میرزا/محمدتقی شیرازی به فقاهت حائری موجب شده بود تا شیرازی احتیاطات فقهی خود را به ایشان ارجاع دهد.^۱

گسترش اعتراضات مردم عراق به استعمارگری انگلستان موجب تشنج و نابسامانی در عتبات شده بود. این موضوع در کنار دعوت مردم سلطان آباد ایران که بعدها به «اراک» شهرت یافت، باعث شد تا حائری در دو مقطع زعامت حوزه علمیه اراک را برعهده بگیرد: نخست به دعوت آیت‌الله محسن اراکی (م ۱۳۲۵ق) و پس از بازگشت ایشان به عتبات؛ و مجدداً به دعوت حاج آقا مصطفی اراکی (فرزند آیت‌الله محسن اراکی).^۲

تجارب این دوره به همراه مساعدت شاگردان برجسته ایشان موجب شد تا ایشان در آینده‌ای نزدیک بتواند حوزه‌ای باشکوه، منسجم، فعال، پاسخگو و تأثیرگذار در قم بنا نهد. او پس از فوت سیدمحمد کاظم یزدی از سوی میرزا/محمدتقی شیرازی به عتبات دعوت شد تا به تدریج جایگزین علمای طراز اول عراق گردد؛ اما با تکیه بر تحولات اجتماعی و پرمخاطره ایران، به‌ویژه پس از مشروطه، از پذیرش این پیشنهاد جذاب صرف‌نظر نمود.^۳

شهر قم که از عصر حضور ائمه اطهار علیهم‌السلام شاهد حضور راویان، وکلا و اصحاب برجسته ایشان و از حوزه‌های فعال در حیات علمی تشیع بوده، در قرون اخیر دچار رکود علمی شده و قم بیشتر به یک مقصد زیارتی تبدیل شده بود. متروک ماندن حوزه‌ها و فقدان کرسی‌های علمی موجب شده بود تا فعالیت روحانیان بیشتر به امور عرفی و آیین‌های مذهبی محدود گردد.

آیت‌الله سیداحمد شبیری زنجانی (م ۱۳۹۳ق)، پدر آیت‌الله سیدموسی شبیری زنجانی، نقل می‌کند: فیضیه تقریباً تعطیل بود و در مدرسه‌های دیگر، قهوه‌چی‌ها بساط چای و کسب و کار گسترانیده بودند و حتی برخی حجره‌ها به محل اسکان بی‌خانمان‌ها تبدیل شده بود.^۴ اوضاع نابسامان حوزه قم موجب شده بود تا پیش از آیت‌الله حائری، بزرگانی دیگری نیز به فکر احیای حوزه قم بیفتند، هرچند توفیق چندانی نیافته بودند.

آیت‌الله حائری در بنیانگذاری مجدد حوزه علمیه، گرچه به لحاظ شرایط اجتماعی از ورود به برخی از تحولات سیاسی خود داری می‌نمود، اما حوزه‌های را بنیان نهاد که نسلی از عالمان جامع‌الاطراف در علوم دینی و اجتماعی را

۱. محسن امین، اعیان‌الشیعه، ج ۸، ص ۴۲: علی کریمی جهرمی، آیت‌الله مؤسس مرحوم آقای حاج شیخ عبدالکریم حائری، ص ۵۵-۱۰۷-۱۰۸.

۲. علی کریمی جهرمی، آیت‌الله مؤسس مرحوم آقای حاج شیخ عبدالکریم حائری، ص ۵۵-۵۶.

۳. محسن امین، اعیان‌الشیعه، ج ۸، ص ۴۲: علی کریمی جهرمی، آیت‌الله مؤسس مرحوم آقای حاج شیخ عبدالکریم حائری، ص ۵۶.

۴. سیداحمد شبیری زنجانی، جنگل مولی، سفرنامه از زنجان تا قم، بخش مقدمه.

به یادگار گذاشت؛ نسلی که پایه‌گذار اسلام اجتماعی بود و در نهایت انقلاب شکوهمند اسلامی در سال ۱۳۵۷ را رهبری نمود.

اهمیت مواضع، دیدگاه‌ها و اقدامات آیت‌الله حائری در احیای و مدیریت حوزه علمیه قم، زمانی آشکارتر می‌شود که بتوان شرایط ناسامان و دگرگون ایران در آن دوره را به درستی تصویر نمود. کمی قبل از ورود آیت‌الله حائری به قم، کودتای ۱۲۹۹ش رخ داده و رضاخان میرنچ به سردار سپهی رسیده بود و مقدمات برچیدن سلطنت قاجاریه و بنیانگذاری سلطنت پهلوی را فراهم می‌نمود. همچنین در حوزه عتبات نیز به سبب مبارزات علما با استعمارگران انگلیسی، برخی از علمای عتبات از عراق اخراج و به ایران تبعید شده بودند. در عرصه بین‌المللی نیز تبعات جنگ جهانی اول، به‌ویژه در خاورمیانه تهدیدهای زیادی به وجود آورده بود.

آیت‌الله حائری گرچه کمتر تمایل به سخنرانی داشت و یا کمتر دست به قلم می‌برد، اما توفیق او در احیا و تعالی حوزه قم چنان بود که شایسته است تدابیر، مواضع و اقدامات ایشان از ابعاد گوناگون بررسی و تحلیل گردد. آیت‌الله حاج شیخ عبدالکریم حائری یزدی در نهایت در ۱۷ ذی‌قعدة ۱۳۵۵ق برابر با دهم بهمن ماه ۱۳۱۵ شمسی در قم درگذشت و در بارگاه حضرت فاطمه معصومه علیها السلام به خاک سپرده شد.

۲. رسالت حوزه تراز اسلامی در قبال طلاب

نخستین مخاطبان حوزه علمیه که متولی دانش و معرفت اسلامی‌اند، طلابی هستند که با دغدغه و درک رسالت خطیر دینی و معنوی وارد حوزه‌های علمیه شده، تحت زعامت علما و مراجع دینی به تحصیل علم و معنویت می‌پردازند. با مطالعه زندگانی آیت‌الله حائری می‌توان موضوعات ذیل را از اصول مهم شکل‌گیری حوزه تراز اسلامی از منظر ایشان دانست:

۲-۱. مدیریت و برنامه‌ریزی

آنچه ممکن است فعالیت و نقش‌آفرینی یک نهاد اجتماعی - دینی را با مشکل مواجه سازد محصور ماندن در محتواها و غفلت از فرایندهاست؛ زیرا ممکن است برخی در انتخاب متولیان این دسته از نهادها، تنها به صلاحیت‌های فردی، علمی و اخلاقی بسنده کرده، از شرط لازم برای اداره این نهادها که همان «مدیریت» است، غفلت کنند. اینکه مدیریت از علوم نوظهور به‌شمار می‌رود منافاتی با این موضوع ندارد که در هر زمان افرادی بوده‌اند که با بهره‌گیری از تجربه، هوش اجتماعی، تدبیر، خلاقیت، مسئله‌شناسی و یافتن راهکارهای کارآمد، توانایی اداره و روزآمد کردن مجموعه‌های تحت اشراف خود را داشته‌اند.

دستاوردهای حوزه علمیه قم در عصر زمامداری آیت‌الله حائری گویای این خصلت کمیاب در این عالم دینی است. ایشان منافع و پویایی حوزه را بر منافع و سلیق شخصی خود مقدم می‌داشت و حتی برای پررونق شدن

دروس مهم‌تر، درس خود را تعطیل می‌نمود. برای نمونه در سال ۱۳۰۲ش، آن زمان که عالمان بزرگی همچون حاج سیدابوالحسن اصفهانی و محمدحسین نائینی از عراق به ایران تبعید شده بودند، وی در قم از ایشان میزبانی کرد و علاوه بر تشویق و توصیه طلاب به شرکت در درس ایشان، درس خود را به احترام حضور ایشان در قم تعطیل نمود. همین موضوع موجب شد با وجود حضور کوتاه مدت (هشت‌ماهه) ایشان، حوزه قم بتواند سهمی از علم و معرفت استادان بزرگ نجف را درک نماید.^۱

آیت‌الله حائری به درستی دریافته بود که در آن زمان زعامت و مدیریت حوزه، ضرورتی بی‌بدیل است. از این رو حاضر شده بود دستیابی به مرجعیت ممتاز در حوزه عراق را به علت اهمیت مدیریت حوزه‌های ایران واگذارد. او با چشم‌پوشی از آینده درخشانی که نصیب هر فقیهی نمی‌شد، دعوت میرزا محمدتقی شیرازی را برای عزیمت به عراق و تصدی مرجعیت رد نمود و خود را وقف تعالی حوزه‌های ایران ساخت.^۲

محدود نماندن رابطه آیت‌الله حائری به قیل و قال‌های علمی و در دسترس بودن او برای هر طلبه جوان و تازه‌کاری موجب شده بود تا ایشان برداشت صحیح و واقع‌بینانه‌ای از اوضاع حوزه داشته باشد و حتی گاهی با وجود کهولت سن یا شائبه‌های معمول، شخصاً به حجره‌های طلاب در مدارس سر می‌زد و از اوضاع علمی و فردی ایشان پرس‌و‌جو می‌کرد.^۳

او در مراسمی همچون عزاداری امام حسین علیه السلام شخصاً در دسته عزاداری طلاب که از مدرسه «رضویه» آغاز می‌شد، حاضر می‌گردید و پیشاپیش دسته عزاداری و بدور از تشریفات و با پای برهنه و محاسنی گل‌آلود و هیأتی متواضعانه حرکت می‌کرد.^۴

چنین منش و دیدگاهی موجب شده بود تا عمده طلاب تدابیر و توصیه‌های او را، نه از روی اجبار، بلکه از سر میل و رغبت پذیرا باشند. او رسالت خود در مدیریت حوزه قم را از هر منصب و مقام علمی یا معنوی مهم‌تر می‌دید. از این رو از دیدگاه ایشان، در حوزه تراز اسلامی متولیان امور باید زمینه‌ساز توفیق مدرسان و محصلان در فرایند کسب علم و معرفت باشند و خود نباید به رقیبی در حوزه تدریس و شائبه‌ها تبدیل شوند.

آیت‌الله حائری در تدابیر و اقداماتش مبتنی بر نیازسنجی و وظیفه‌شناسی، حتی‌المقدور به عالمان و نخبگان دیگر اعتماد می‌نمود و حتی حضورش در اراک و یا قم مبتنی بر توضیحاتی بود که دعوت‌کنندگان در خصوص ضرورت‌ها و کاستی‌های رایج در این حوزه‌ها به وی می‌دادند.^۵ او در تصدی مدیریت حوزه اراک به درخواست

۱. عبدالهادی حائری، تشیع و مشروطیت در ایران و نقش ایرانیان مقیم عراق، ص ۱۷۶-۱۷۹.

۲. سیدمحمدحسین منظور الاجداد، مرجعیت در عرصه اجتماع و سیاست، ص ۳۱۹.

۳. سیدعلی محقق داماد، «مصاحبه با حضرت آیت‌الله حاج سیدعلی آقا محقق داماد»، ص ۴۱-۴۲.

۴. علی کریمی چهرمی، آیت‌الله مؤسس مرحوم حاج شیخ عبدالکریم حائری، ص ۹۷-۹۸.

۵. سیدمحمدحسین منظور الاجداد، مرجعیت در عرصه اجتماع و سیاست، ص ۳۱۹.

آیت‌الله محسن اراکی و فرزند ایشان^۱ و در بازیابی حوزه قم به درخواست عالمان و دلسوزانی همچون میرزا محمد فیض، حاج شیخ محمد سلطان و حاج محمدابراهیم سکو توجه نمود و البته خود نیز پیش از پذیرش مسئولیت از این حوزه بازدید به عمل آورد.^۲

شیوه متمرکز آیت‌الله حائری در مدیریت حوزه و توجه به دو مفهوم مترابط «اختیارات» و «پاسخگویی» موجب شد تا پس از درگذشت ایشان، آیات عظام سیدمحمد حجت کوه‌کمره‌ای، سیدصدرالدین صدر و سیدمحمدتقی خوانساری نیز با الگوگیری از ایشان، از آیت‌الله بروجردی درخواست مهاجرت به قم و پذیرش زعامت حوزه را بنمایند.^۳

خودداری از تفنن‌ها و متمرکز شدن به نیازها و مطالبات حوزه و حوزویان از دیگر امتیازات آیت‌الله حائری در اداره حوزه بود. او حتی المقدور می‌کوشید تا کمتر به امور دیگر اشتغال داشته باشد و حتی با وجود طبع لطیف ادبی و سرودن شعر، اهتمام چندانی به آن نمی‌نمود، به‌گونه‌ای که آیت‌الله مرعشی این ویژگی ایشان را چنین توصیف نموده است: «عجیب بود ایشان در اخلاق، در مکارم طبع شعر هم داشتند؛ ولی صرف عمر در شعر نمی‌کردند».^۴

اهتمام ایشان به امور حوزه موجب شده بود تا ایشان فرصت انتشار برخی از تألیفات خود را نیز نیابد،^۵ و یا با وجود سنت عالمان در مهاجرت تابستانی به شهرهای اطراف، ایشان گرمای قم را تحمل می‌کرد تا از حوزه و مسائل آن فاصله نگیرد.

ایشان در مدیریت حوزه به ضرورت تربیت نیرو به خوبی واقف بود و شاید همین موضوع موجب شد تا بخش قابل توجهی از شاگردانش در اراک و حتی عتبات به همراه ایشان به قم بیایند و او را در بنیان جدید حوزه قم یاری رسانند. از جمله شاگردانی که ایشان را در این راه یاری رساندند سیدمحمدتقی خوانساری، سیداحمد خوانساری، سیدروح‌الله موسوی خمینی، سیدمحمد رضا گلپایگانی و محمدعلی اراکی از حوزه اراک و علی‌اکبر کاشانی، مصطفی کشمیری، احمد مازندرانی و سیدصدرالدین صدر از حوزه عتبات بودند.

اداره مجموعه حوزه علاوه بر صلاحیت‌های معنوی و مادی، نیازمند عنصر تجربه محیط‌های دیگر نیز بود. آزمون و خطای کسی که تولیت مجموعه حوزه را در اختیار می‌گرفت، می‌توانست تبعات پرمخاطره و غیرقابل جبرانی به دنبال داشته باشد. آیت‌الله حائری به علت آنکه از همان سال‌های نوجوانی مراکز علمی و حوزه‌های

۱. آیت‌الله حائری در دو مقطع به اراک سفر کرد و مدیریت حوزه را متقبل شد: در مقطع نخست به دعوت آیت‌الله محسن اراکی که همزمان با مشروطه‌خواهی بود. آیت‌الله حائری پس از

مدتی به کرپلا بازگشت، و بار دیگر به دعوت حاج آقا مصطفی (فرزند آیت‌الله محسن اراکی) به اراک بازگشت و مدیریت حوزه را بر عهده گرفت.

۲. علی کریمی چهارمی، آیت‌الله مؤسس مرحوم حاج شیخ عبدالکریم حائری، ص ۵۵-۵۶

۳. سیدمحمدحسین منظورالاجاد، مرجعیت در عرصه اجتماع و سیاست، ص ۳۳۶.

۴. گفت‌وگوی آیت‌الله مرعشی نجفی از شاگردان شیخ عبدالکریم»، در: <https://psri.ir/?page=search>

۵. علی کریمی چهارمی، آیت‌الله مؤسس مرحوم حاج شیخ عبدالکریم حائری، ص ۹۹-۱۰۱.

گوناگونی را در مهرجرد، عقدا، اردکان، یزد، نجف، سامراء، کربلا و اراک تجربه کرده بود،^۱ این بار در قامت مدیر حوزه با تکیه بر تجارب سترگ خود، سبکی پویا و کم‌هزینه برای مدیریت حوزه قم به اجرا درآورد. رسیدگی به ذخایر، نخبگان و عالمانی که عمر خود را صرف تعالی دین و دانش در حوزه‌ها کرده‌اند از دیگر اصول آیت‌الله حائری در مدیریت حوزه بود. او پیش از این نیز در عتبات پرستاری و نگهداری برخی از استادانش را برعهده گرفته و حتی پس از درگذشت ایشان، معیشت و هزینه‌های بازماندگان و فرزندان ایشان را نیز به قدر توان، متکفل شده بود.^۲

از دیگر ویژگی‌های آیت‌الله حائری عدم ورود به منازعات و رقابت‌های جریان‌ی، صنفی و سیاسی در حوزه‌های علمیه بود. او بر خویش‌ن‌داری، میانه‌روی و اجتناب از موضعگیری صریح به قدری تأکید داشت که حتی از سوی برخی حوزویان آماج اعتراض و سرزنش قرار می‌گرفت.^۳ با وجود این، او به خوبی دریافته بود که ورود به برخی از این مناقشات صنفی علاوه بر کم‌فایده بودن، انسجام و یکپارچگی حوزه را از بین خواهد برد و ورود در منازعات سیاسی رودر در دوران استبداد شدید رضاخان که منتظر بهانه‌ای برای برچیدن حوزه بود، موجب نابودی حوزه علمیه نوپای قم و زوال فرهنگ تشیع خواهد شد.

۲-۲. علم‌آموزی

«تبدیل شدن تحصیل به شغل و تفنن در علم‌آموزی» از جمله آسیب‌های رایج در مراکز علمی و آموزشی است. دور شدن فرایندها، قوانین، متون و شیوه‌های آموزشی از اهداف اصلی علم، همچنین روزمرگی و تشریفات و البته استبداد و انحصار علمی - آموزشی از پیامدهای آسیب پیش‌گفته است. مبتنی بر زندگی‌نامه و اقدامات، می‌توان مهم‌ترین شاخصه‌های حوزه تراز اسلامی از منظر حائری را چنین برشمرد:

۱-۲-۲. استفاده از بهترین استادان

قوام و دستاوردهای آموزش وابستگی زیادی به نقش مدرس دارد؛ زیرا متون، ابزار و نظام آموزشی تنها پس از وجود مدرسی شایسته و دانشمند معنا خواهند یافت. آیت‌الله حائری، چه در دوران تحصیل و چه در دوران تدریس، بر این مؤلفه مهم تأکید بسیار داشت. ایشان برای بهره‌مندی از استادان خیره، از همان سال‌های نوجوانی ترک وطن کرد و شهرها و مدارس متعددی را تجربه نمود. او تا قبل از ۱۸ سالگی، حوزه‌های درسی مهرجرد، عقدا، میبد و یزد را تجربه کرد و پس از آن عازم حوزه‌های علمیه عتبات شد. آیت‌الله حائری در عراق نیز حوزه‌های نجف، کربلا و

۱. سیدمحمدکاظم شمس و دیگران، مؤسس حوزه، ص ۴۰-۳۴.

۲. مرتضی حائری یزدی، سر‌دلبران، ص ۳۹؛ علی کریمی چه‌رمی، آیت‌الله مؤسس مرحوم آقایی حاج شیخ عبدالکریم حائری، ص ۴۱-۴۲.

۳. «آیت‌الله گرامی به خاطرهای اشاره می‌کند که از مرحوم سیدمحمد روحانی شنیده است: جلسه‌ای همراه پدرم (میرزااحمد روحانی) خدمت حاج شیخ عبدالکریم بودیم. عده‌ای از علما

فشار می‌آوردند که چرا یا پهلوی درگیر نمی‌شوید؟» (محمدرضا احمدی، خاطرات آیت‌الله محمدعلی گرامی، ص ۹۹).

سامراء را تجربه کرد و حوزه‌ها را مبتنی بر مدرسانش انتخاب می‌نمود. وی حتی با مهاجرت استادش از سامراء به نجف، حوزه سامراء را ترک گفت و به نجف آمد. بهره‌مندی از مدرسان شایسته او را بر آن داشته بود تا در کشاکش منازعات سیاسی و دسته‌بندی‌های رایج در حوزه نجف قرار نگیرد و مبتنی بر بهره علمی به صورت همزمان در درس *آخوند خراسانی* و *سیدمحمدکاظم یزدی* که دارای آراء متفاوتی در موضوع مشروطه بودند، حاضر شود.^۱

حائری حتی زمانی که مسئولیت زعامت حوزه قم به وی سپرده شد از این اصل مهم در آموزش طلاب غافل نشد و از هر فرصتی برای به خدمت گرفتن مدرّسان برجسته در حوزه قم سود می‌برد. برای نمونه آن زمان که پیامدهای جنگ جهانی آشوب‌ها و نابسامانی‌هایی را در عراق به وجود آورده بود، میزبانی بسیاری از علمای عراق را متقبل شد^۲ و سطح علمی مدرّسان حوزه قم را ارتقای چشم‌گیری بخشید.

او حتی در جریان اخراج برخی از علمای عراق به علت مبارزات ضد انگلیسی، شرایط حضور ایشان را در قم، هرچند در زمانی کوتاه فراهم ساخت، به‌گونه‌ای که *حاج سیدابوالحسن اصفهانی* و *محمدحسین نائینی* از بزرگان علمی حوزه عراق را که در سال ۱۳۰۲-۱۳۰۳ به ایران تبعید شده بودند، میزبانی کرد^۳ و حوزه قم را از علم و اعتبارشان بهره‌مند ساخت. *آیت‌الله حائری* حتی برای تقویت جایگاه تدریس برخی از استادان شایسته و البته گمنام، تدابیر شگرفی را اتخاذ می‌نمود که تعطیل کردن درس رسمی خودش از آن جمله بود.^۴

۲-۲-۲. تنوع استادان و دیدگاه‌ها

از دیگر ویژگی‌های حوزه تراز اسلامی از دیدگاه حائری می‌توان به بهره‌مندی از استادان متنوع و جلوگیری از استبداد و انحصار آموزشی اشاره کرد. او بدور از حاشیه‌سازی‌های صنفی، اجتماعی و سیاسی می‌کوشید تا مجلس درسش در عراق و ایران و حوزه علمیه‌اش در قم در انحصارهای محتوایی و ساختاری قرار نگیرد. در میان شاگردان او شخصیت‌های بزرگی وجود دارند که هریک از منظرهای علمی، اجتماعی، طبقاتی و به‌ویژه سیاسی دارای گرایش‌های مختلف و حتی متعارضی بودند. او خود نیز در دوران تحصیل از استادان متعددی با دیدگاه‌های مختلف بهره برده بود؛ از استادانی با گرایش‌های بدبینانه نسبت به سیاست گرفته تا مشروطه‌خواه یا منتقد مشروطه. همین ویژگی موجب شده بود تا هم خود عالمی جامع‌الاطراف و مشرف بر دیدگاه‌های مختلف باشد و هم حوزه‌ای که بنیان نهاده بود محل رشد نخبگانی گردد که هریک ناظر به توانایی، استعداد، دیدگاه و مسئله‌شناسی خاص خود، به جبران گوشه‌ای از کاستی‌های حوزه‌های علمیه مبادرت ورزند و آینده ایران و جهان تشیع با تمام تنوع‌ها و غیریت‌ها تحت اشراف شاگردان مکتب او قرار گیرد.

۱. مرتضی حائری یزدی، *سر‌داوران*، ص ۱۱۶-۱۱۷.

۲. عبدالهادی حائری، *تشیع و مشروطیت در ایران و نقش ایرانیان مقیم عراق*، ص ۱۸۱.

۳. همان، ص ۱۷۶-۱۸۱؛ محمدرضا طبسی، «مصاحبه با آیت‌الله حاج شیخ محمدرضا طبسی»، ص ۶۶

۴. علی‌اکبر ذاکری، «رفقارشناسی سیاسی آیت‌الله حائری»، ص ۲۱۱.

در سایه تلاش‌های ایشان و علی‌رغم حاکمیت انحصارهای علمی، در عصر زعامت ایشان، استادان سترگی همانند محمدعلی شاه‌آبادی (م ۱۳۶۹ق) در عرفان، سیدابوالحسن رفیعی قزوینی (م ۱۳۹۵ق) در فلسفه، و ابراهیم‌بن محمد نجف‌آبادی (م ۱۳۷۵ق) در ریاضیات به قم مهاجرت کردند و در این موضوعات به تدریس پرداختند.^۱

۲-۲-۳. ظرفیت‌سنجی و حمایت از نخبگان

عدالت آموزشی از منظرگاه‌های گوناگون تعاریف متعددی دارد و برای ایجاد آن روش‌های متفاوتی ارائه شده است؛ ولی در هر حال شاید بتوان «ظرفیت‌سنجی» را یک روش مهم در این خصوص دانست. تمام محصلان و یا همه دروس دارای سطح ثابتی از نیاز یا ظرفیت نیستند و باید ناظر به این دو مؤلفه، فرایند آموزشی را تعریف نمود. بهره‌مندی از این اصل در فرایند آموزش موجب می‌شود تا ظرفیت‌های اختصاصی، خلاقیت‌ها و استعدادها مدنظر قرار گیرد و بهره‌وری آموزشی دوچندان گردد.

شروع تحصیلات آیت‌الله حائری با تکیه بر همین اصل آغاز گردید؛ آن زمان که شوهرخاله ایشان در سفر به مهرجرد، عبدالکریم را دارای استعداد سرشاری در تحصیل یافت و مقدمات تحصیل او را فراهم ساخت.^۲ او شروع تحصیلات خود در عتبات را نیز تحت اشراف شیخ محمدحسین فاضل اردکانی آغاز نمود و با سفارش او، به حوزه درسی میرزای شیرازی بزرگ در سامراء راه یافت^۳ و میرزای شیرازی نیز با مشاهده نبوغ حائری او را در خانه خود جای داد و از وی خواست تا با فرزندش سیدعلی شیرازی دروس حوزوی را مباحثه نماید.^۴ او حتی آن زمان که مراحل میانه از تحصیل در علوم دینی را گذرانده بود، ولی باز از سوی استادان بزرگ حوزه نجف مورد توجه بود و آخوند خراسانی برای او و جمع محدودی از محصلان، از جمله نائینی درس جداگانه‌ای برگزار می‌نمود.^۵

ایشان، خود در مرتبه استادی نیز توجه ویژه‌ای به نخبگان و استعداد‌های برتر داشت و زمینه حضور آنان را در حوزه فراهم می‌آورد. او در حوزه اراک و پیش از آنکه وارد حوزه قم شود، توانسته بود قریب سیصد داوطلب تحصیل در علوم حوزوی را از سایر مناطق به حوزه اراک جلب نماید.^۶ در سایه اهتمام ایشان به این مهم در حوزه علمیه قم و با وجود عمر کوتاه زعامت ایشان بر حوزه، نسلی نخبه و پرکار از عالمان و مراجع دینی تربیت یافتند؛ از جمله: امام خمینی، میرزاهاشم آملی، محمدعلی اراکی، سیداحمد

۱. محمدشریف رازی، آثار الحججه، ج ۱، ۸۸۷؛ ویکی‌فتحه، مدخل «ابراهیم‌بن محمد ریاضی نجف آبادی» و مدخل «محمدعلی شاه‌آبادی»؛ در: <https://fa.wikifqh.ir>

۲. مرتضی حائری یزدی، سر دلبران، ص ۴۸.

۳. همان، ص ۸۲۸۱؛ سیدعلی محقق داماد، «مصاحبه با حضرت آیت‌الله حاج سیدعلی آقا محقق داماد»، ص ۵۳.

۴. مرتضی حائری یزدی، سر دلبران، ص ۸۲۸۱؛ سیدعلی محقق داماد، «مصاحبه با حضرت آیت‌الله حاج سیدعلی آقا محقق داماد»، ص ۵۳-۵۴.

۵. سیدعلی محقق داماد، «مصاحبه با حضرت آیت‌الله حاج سیدعلی آقا محقق داماد»، ص ۵۳-۵۴.

۶. علی کریمی چهرمی، آیت‌الله مؤسس مرحوم حاج شیخ عبدالکریم خابری، ص ۵۶.

حسینی زنجانی، سیداحمد خوانساری، سیدمحمدتقی خوانساری، سیدمحمد داماد، سیدابوالحسن رفیعی قزوینی، سیدکاظم شریعتمداری، سیدصدرالدین صدر، سیدکاظم گلپایگانی، سیدمحمد رضا گلپایگانی، آخوند ملاعلی معصومی همدانی، سیدشهاب‌الدین نجفی مرعشی و میرسیدعلی یشری.^۱ تجلی چنین ظرفیتی ممکن نبود، مگر با اتخاذ تدابیری همچون دعوت و بهره‌مندی از استادان نخبه داخلی^۲ و خارجی^۳ برای تدریس در حوزه قم.

۴-۲-۲. ابداع و پویایی در نظام آموزشی

«نظام آموزشی» مجموعه‌ای از قوانین، متون، ابزارها، شیوه‌ها و فرایندهایی است که برای تحقق آموزش به‌کار گرفته می‌شوند. در این میان، آنچه از آسیب‌های متداول در نظام آموزشی به‌شمار می‌رود فاصله گرفتن این عناصر از اقتضات و نیازهای مجربان، محصلان و جامعه است. به‌ویژه در نظام‌های آموزشی علوم دینی، گاهی به اشتباه تقدس محتواها به قالب‌ها و شیوه‌های آموزشی نیز تعمیم داده می‌شود و قوانین و رویه‌های قراردادی به سنت‌های غیرقابل تغییری تبدیل می‌گردد. این آسیب، به‌ویژه در حوزه‌های علمیه موجب ناکارآمدی محصلان شده، ممکن است از سوی جامعه به معنای ناکارآمدی علوم دینی و حتی دین تلقی گردد.

آیت‌الله حائری یزدی گرچه خود از دانش‌آموختگان حوزه‌های سترگ و کهن شیعی بود، اما به این چالش وقوف داشت و خود از ابداع‌کنندگان شیوه‌ها و حتی دروس و محتواهای جدید آموزشی در حوزه علمیه بود. او حتی برای ورود به حوزه علمیه، آزمون و مصاحبه‌ای را طراحی و اجرا نمود که داوطلبان می‌بایست در آن شرکت نمایند.^۴ حائری همچنین گروهی را به‌عنوان «هیأت ممتحنه» تأسیس نمود تا در مقاطع مشخص از محصلان علوم دینی امتحان به عمل آورند^۵ تا سطح علمی این طلاب برای خودشان و البته تصمیم‌گیران حوزه مشخص گردد. مشخص شدن دوره تحصیلی و برنامه‌ریزی آموزشی از دیگر ابداعات آیت‌الله حائری بود. او شخصاً یک دوره کامل «اصول فقه» را در یک دوره چهارساله ارائه داد و آنچنان‌که از کتاب *درر الاصول* ایشان مشهود است، تلاش داشت تا مباحث به صورت کاربردی و زمانمند بازتدوین شوند.^۶

ایشان به لحاظ روش تدریس نیز صاحب سبک جدیدی بود. در هر جلسه، موضوع و مباحث جلسه بعد را مشخص می‌کرد تا محصلان بتوانند آن مباحث را پیش از ورود به درس، پیش‌مطالعه کنند. او در این روش در ابتدای تدریس بدون هرگونه پیش‌داوری، نظرات و دیدگاه‌های مختلف درباره موضوع و مستندات هر یک را ارائه

۱. محمدشریف رازی، آثار الحجه، ج ۱، ص ۸۸۷.

۲. همان؛ ویکی فقه، مدخل «ابراهیم‌بن محمد ریاضی نجف‌آبادی» و مدخل «محمدعلی شاه‌آبادی»، در: <https://fa.wikifeqh.ir>.

۳. عبدالهادی حائری، تشیع و مشروطیت در ایران و نقش ایرانیان مقیم عراق، ص ۱۸۱.

۴. سیدمحمدحسین منظورالاجاد، مرجعیت در عرصه اجتماع و سیاست، ص ۳۳۳.

۵. محسن امین، اعیان‌الشیعه، ج ۸، ص ۴۲.

۶. علی کریمی چهرمی، آیت‌الله مؤسس مرحوم آقای حاج شیخ عبدالکریم حائری، ص ۷۴-۷۵.

می‌داد و در خصوص آن به تبادل نظر با طلاب و جمع‌بندی آراء می‌پرداخت. سپس در ادامه، نظر علمی خود در خصوص مسئله را مطرح می‌ساخت و آن را در معرض نقد محصلان قرار می‌داد. در این روش او علاوه بر آگاهی دادن به تمام آراء موجود در خصوص موضوع و احترام و بهره‌مندی از تلاش‌های علمی دیگران، به جرح و تعدیل آنها پرداخته، حتی پس از طرح نظر اجتهادی، محصلان را به نقد و بررسی آراء وامی‌داشت. او در این روش از آخرین یافته‌های علمی و حتی دانش و اجتهاد خود، پلکانی ساخت و شاگردانش را بر قله‌های دانش رهنمون شد.^۱

۲-۲-۵. ارتقای سطح دانشی و مهارت و تولید علم

از عمده‌ترین تلاش‌های آیت‌الله حائری در بازیابی حوزهٔ قلم، ارتقای سطح علمی و دانشی این حوزه است. تا پیش از این عمده کسانی که علاقه‌مند تحصیل علوم دینی در مراتب بالاتر بودند چاره‌ای جز ترک وطن و مهاجرت به عراق نداشتند. حتی عالمانی که در دیگر شهرهای ایران حضور داشتند نیز عمدتاً فارغ‌التحصیل حوزه‌های عتبات به‌شمار می‌آمدند. کمتر می‌توان به حوزه‌ای در ایران دست یافت که در اواخر قاجار در سطح تربیت مجتهد به فعالیت مشغول بوده باشد.

آیت‌الله حائری حتی در دوران تحصیل خود نیز به شیوه‌های متداول در مباحث علمی قانع نبود و حتی اشکالات خود بر درس آخوند خراسانی را در چهارشنبه هر هفته به ایشان عرضه می‌داشت و در مواردی نیز توانسته بود نظر ایشان را تغییر دهد. آیت‌الله حائری مجموعه سؤال و جواب‌های خود بر مبحث «علم اجمالی» را مؤثر در تألیف *کفایة الاصول آخوند خراسانی* دانسته است.^۲

او به منظور تعمیق بیشتر فراگیری، درس استادش را برای برخی دیگر از شرکت‌کنندگان تقریر می‌نمود و بر تخصصی شدن ابواب فقه تأکید داشت. آیت‌الله حائری حتی آرزو داشت تا زبان‌های خارجی نیز به دایره مهارت‌های طلاب افزون گردد.^۳ ایشان برای تقویت بنیه علمی طلاب، کتابخانه ارزشمندی را در «مدرسه فیضیه» تأسیس نمود که تاکنون نیز مورد استفاده عموم طلاب است.

۲-۳. اخلاق و تربیت اسلامی

گرچه تحصیل دانش شرط لازم در حوزه‌های علمیه است، اما شرط کافی نبوده و هر طلبه برای انجام رسالت خود باید مهذب به اخلاق و معنویت باشد؛ زیرا اساس برتری مراجع و روحانیان بر دیگران، دانسته‌ها و قواعد علمی

۱. سیدعلیرضا ریحان‌الله یزدی، *آینه دانشوران*، ج ۱، ص ۲۲.

۲. محمدرضا طیبی، «مصاحبه با آیت‌الله حاج شیخ محمدرضا طیبی»، ص ۶۴-۶۳.

۳. سیداحمد حسینی زنجانی، *الکلام بجزء الکلام*، ج ۱، ص ۱۱۲۴؛ محمدعلی اراکی، «مصاحبه با استاد بزرگوار آیت‌الله العظمی اراکی»، *آینه‌داران حقیقت: مصاحبه‌های مجله حوزه با عالمان و دانشوران حوزه‌ی ج*، ج ۱، ص ۸۲-۸۳؛ علی کریمی جهرمی، *آیت‌الله مؤسس مرحوم آقای حاج شیخ عبدالکریم حائری*، ص ۷۴. علیرضا سیدکیاری، *حوزه‌های علمیه شیعه در*

نیست، متخلق بودن به معارف دینی عمده امتیاز یک روحانی بر یک دانشمند است. در منابع و احادیث دینی نیز تربیت دینی و اخلاقیات از اهداف بعثت دانسته شده است.^۱ از این رو افراط در علم‌آموزی و کم‌رنگ شدن اخلاقیات، زمینه‌ساز تبدیل شدن حوزه‌ها به آموزشگاه‌های علمی است.

با مروری بر زندگانی آیت‌الله حائری می‌توان روح تعهد، تهذیب و تربیت اخلاقی را در طول حیات فردی و اجتماعی ایشان مشاهده نمود؛ زیرا او بارها در تقابل بین رسالت اخلاقی و آینده علمی خویش، رسالت اخلاقی را برگزیده بود، آن زمان که تحصیل را به سبب فوت پدر و تنهایی مادر ترک گفته و به روستا بازگشته بود و یا در سفر به عتبات برای ادامه تحصیل، مادر خود را به همراه برده بود. او حتی در حین تحصیل از وظایف و حقوق اخلاقی که برگردن دارد غافل نبود و نگهداری از آیت‌الله فشارکی را در ماه‌های آخر عمرش بر عهده گرفته بود.^۲ حقوق شاگردان را، حتی در تصمیم‌های مهمی همچون هجرت به قم و تجدید حیات حوزه قم رعایت می‌کرد. او آن زمان که از سوی علما و تجار برای مهاجرت به قم دعوت شده و در سفر به قم اوضاع نابسامان قم را از نزدیک مشاهده کرده بود، برای ترک حوزه اراک و مهاجرت به قم با شاگردانش مشورت نمود.^۳ گاهی نیز به محض محرز شدن مفسده‌ای از طلاب، شهریه‌اش را قطع می‌کرد و درباره‌اش می‌گفت: «به درد من نمی‌خورد و مایل نیستم در حوزه باشد، ولو خوب هم تحصیل نماید.»^۴

۴-۲. تأمین معیشت و امکانات

موضوع رابطه علم، معنویت و مادیات رابطه‌ای پردامنه و مشتمل بر تعامل و تقابل است. این موضوع در عرصه علوم دینی که با معنویت همراه هستند، از حساسیت بیشتری برخوردار است. اینکه حوزه‌های علمیه و طلاب به چه میزان باید از مادیات و معیشت برخوردار باشند و منابع این هزینه‌ها و مصارفشان چیست، مسئله‌ای مهم بوده و تاکنون نیز معرکه آراء مختلف از درون و بیرون حوزه است.

در این میان، با تکیه بر دیدگاه‌ها و عملکرد آیت‌الله حائری شاید بتوان گفت: از منظر ایشان در حوزه تراز اسلامی باید مادیات در خدمت تعالی علم و معنویت باشد؛ به این معنا که تأمین لوازم تحصیل علم و معرفت و زندگی عزتمندانه و بدور از تجمل، از ویژگی‌های حوزه مطلوب دینی است. ایشان به صراحت می‌گفت:

من در دو موقع از شدت ناراحتی خوابم نمی‌برد: یکی وقتی که طلبه نیازمند باشد و من پولی برای رفع حاجت او نداشته باشم؛ و دیگر موقعی که پولی در دست من باشد و نتوانسته باشم به مورد مصرفش برسانم.^۵

۱. میرزا حسین نوری، مستدرک الوسائل، ج ۱۱، ص ۱۸۷.

۲. مرتضی حائری یزدی، سر‌دابران، ص ۳۹. علی کریمی جهرمی، آیت‌الله مؤسس مرحوم آقای حاج شیخ عبدالکریم حائری، ص ۴۱-۴۲.

۳. علی کریمی جهرمی، آیت‌الله مؤسس مرحوم آقای حاج شیخ عبدالکریم حائری، ص ۵۷؛ سیداحمد حسینی زنجانی، الکلام بجز الکلام، ج ۱، ص ۱۰۶.

۴. علی کریمی جهرمی، آیت‌الله مؤسس مرحوم آقای حاج شیخ عبدالکریم حائری، ص ۶۹-۷۰.

۵. سیدمحمدحسین منظورالاجداد، مرجعیت در عرصه اجتماع و سیاست، ص ۳۳۴.

از مهم‌ترین اقدامات آیت‌الله حائری در احیای حوزه قم، تعمیر و بازسازی حوزه‌های علمیه و فراهم ساختن مقدمات مادی تحصیل در این حوزه‌ها بود، به گونه‌ای که در عصر وی «مدرسه فیضیه»، «دارالشفاء» و «مدرسه خان» تعمیر و بازسازی شدند.^۱ این در حالی بود که رونق و آوازه حوزه قم موجب شده بود تا داوطلبان تحصیل در حوزه قم از اقصا نقاط ایران به قم مهاجرت کنند. طبیعتاً این مهاجرت‌ها نیازمند تأمین هزینه‌های معمول در ساخت و نگهداری مدارس جدید و پرداخت شهریه به ایشان بود.

علاوه بر آن آیت‌الله حائری با دید جامع و ظرفانه‌ای که داشت، تلاش همه‌جانبه‌ای برای دلگرم کردن مردم قم به حضور روحانیان به کار بست؛ تلاشی که نه تنها او را محبوب طلاب تازه وارد، بلکه محبوب مردم قم نیز نموده بود. از این رو با صرف هزینه‌های مادی و معنوی زیاد می‌کوشید تا بخشی از هزینه‌های حضور طیف وسیعی از طلاب و خانواده ایشان به شهر قم را جبران نماید. او پیش از این نیز تأمین هزینه زندگی بستگان و حتی برخی از استادان خود را نیز متقبل شده بود و به درستی می‌دانست که معیشت شرط لازم تحصیل و زندگی مؤمنانه است. شرایطی که او در قم فراهم آورده بود موجب شد طی مدت‌زمانی اندک تعداد طلاب حوزه قم به هزار تن برسد. حتی در ماجرای تبعید و مهاجرت علمای عراق به ایران، حوزه علمیه قم به خوبی توانست میزبانی ایشان را برعهده گیرد و البته بهره‌های مادی و معنوی زیادی را از حضور ایشان ببرد.^۲

۳. رسالت حوزه تراز اسلامی در قبال جامعه

حوزه‌های علمی از چند حیث دارای ارتباطی وثیق با جامعه هستند:

نخست اینکه حوزه برخاسته از بطن جامعه بوده و طلاب داوطلبانی از آحاد جامعه هستند که از سر دغدغه‌مندی به حوزه و تحصیل علم و معرفت وارد شده‌اند. از این رو تضعیف این بعد از ارتباط منجر به مسدود شدن ورودی حوزه و در نتیجه، تعطیلی حوزه‌ها خواهد شد.

بعد دیگر اینکه حوزه‌ها در طی تاریخ مبتنی بر حمایت‌های مادی و معنوی مردم تأسیس و اداره شده‌اند و هر گونه خدشه و چالشی در این خصوص منجر به منزوی شدن مادی و معنوی حوزه‌ها و وابستگی آنها خواهد شد.

بعد دیگر عرصه تأثیرگذاری حوزه است. غرض اصلی در تأسیس مدارس دینی، ارتقای باورهای دینی و صیانت از آنها در مقابل خرافات و بدعت‌هاست. از این رو حوزه‌ای که نتواند در جامعه پیرامونی خود تأثیر دینی و معنوی داشته باشد حوزه‌ای ناموفق است. با توجه به این نکته، بررسی حوزه تراز اسلامی در ارتباط با جامعه و مردم از اهمیت بسزایی برخوردار بوده و بررسی دیدگاه آیت‌الله حائری در این خصوص دارای اهمیت است.

مؤلفه‌های اصلی در رسالت حوزه تراز اسلامی در قبال جامعه را می‌توان چنین برشمرد:

۱. ذکرائه محمدی، حضرت آیت‌الله حاج شیخ عبدالکریم حائری، ص ۶۴

۲. همان، ص ۴۹؛ عبدالهادی حائری، تشیع و مشروطیت در ایران و نقش ایرانیان مقیم عراق، ص ۱۷۶-۱۷۹.

۱-۳. جلب اعتماد عمومی

از منظر آیت‌الله حائری، حوزه علمی نمی‌تواند و نباید نسبت به تصویری که از حوزه در ذهن عمومی جامعه شکل گرفته، بی‌تفاوت باشد. از این رو تمرکز بر احکام فقهی در اقدامات و تدابیر و غفلت از پیامدها و فهم عمومی به شدت اعتماد عمومی نسبت به حوزه را مخدوش می‌سازد. برای نمونه آیت‌الله حائری به هیچ‌وجه وجوه شرعی را نزد خود نگاه نمی‌داشته و به افرادی می‌سپرد که معتمد او و جامعه باشند. حتی زمانی که در پاسخ به درخواست کمک وی از سوی دربار ده هزار تومان بابت کمک به سیل‌زدگان قم تحویل وی شد، او از روی کیاست آن مبالغ را به تجار معتمد سپرد و نیازمندان را به ایشان حواله می‌داد، و یا گروهی از بزرگان و حکمرانان قم را برای نظارت بر مصارف اعانات تعیین کرده بود.^۱ او حتی برخی از اموال حلال را برای خانواده خود ممنوع کرده بود. وی با اشراف به فهم و تحلیل جامعه از هرگونه رفتاری که از دید مردم ریاکاری دانسته شود، پرهیز داشت.^۲

او تلاش داشت تا برخی اموری را که موجب بی‌اعتمادی جامعه به طلاب می‌شد نیز خود شخصاً جبران نماید، به‌گونه‌ای که گاهی به مغازه‌های اطراف حرم حضرت معصومه علیها السلام مراجعه می‌کرد و قرض‌طالایی را که به مغازه‌داران بدهکار بودند، ادا می‌کرد. از این رو او در کنار بیان تکالیف مردم در قبال دین و علما، در صدد جلب اعتماد مردم و تعامل دواطلبانه مردم با حوزه‌ها بود.

۲-۳. توجه به شرایط سیاسی و ظرفیت‌های اجتماعی

از دیدگاه آیت‌الله حائری، حوزه تراز اسلامی در کنار ظرفیت‌سازی باید با شناخت واقع‌بینانه از جامعه، از فرصت‌ها و تهدیدهای موجود نیز غافل نباشد. ایشان با شناختی عمیق از اوضاع و تحولات اجتماعی و سیاسی در ایران از موضع‌گیری در اموری که از کنه آن بی‌اطلاع بود، خودداری می‌کرد. می‌گفت:

من در مسائلی که از کنه آن آگاهی ندارم، به هیچ‌وجه دخالت نمی‌کنم و از آنجا که ایران کنسور ضعیفی است و پیوسته تحت فشار و استعمار کشورهای قدرتمندی چون روس و انگلیس می‌باشد، امکان دارد سیاست‌ها و خطوط سیاسی که در ایران وجود دارد، از سوی این قدرتهای استعماری ترسیم شده باشد و کسانی که در سیاست دخالت می‌کنند، امکان دارد ملعبه دست این قدرتها بوده و ناآگاهانه آب به آسیاب دشمن بریزند. من اگر در کشور فرانسه، انگلیس و روس بودم، مسلماً در سیاست دخالت می‌کردم؛ چون خطوط سیاسی در آنجا روشن بوده و از جایی دیگر این جریان‌ها تحمیل نمی‌شود.^۳

او زمانی حضور و فعالیت در حوزه اراک یا قم را پذیرفت که از نظر مساعد بزرگان و نمایندگان عرفی مردم این دو شهر اطمینان حاصل کرده بود و حتی با این وجود، پیش از هجرت، از اوضاع اجتماعی و فرهنگی این دو شهر تفحص نموده بود.

۱. محسن امین، *اعیان‌الشیعه*، ج ۸، ص ۴۲؛ سیدمحمدحسین منظورالاجداد، *مرحیت در عرصه اجتماع و سیاست*، ص ۳۳۴.

۲. علی کریمی چهرمی، *آیت‌الله مؤسس مرحوم آقای حاج شیخ عبدالکریم حائری*، ص ۴۴-۴۶.

۳. عمادالدین فیاضی، *حاج شیخ عبدالکریم حائری*، ص ۷۸-۷۹.

۴-۳. تأمین نیازمندی‌های مادی و اجتماعی

از دیدگاه آیت‌الله حائری، حوزه‌ها باید حسن نیت خود را به جامعه هدف در نظر و عمل نشان دهند. رونق حوزه قم در عصر او موجب مهاجرت گروه زیادی از طلاب به شهر قم شد و همین موضوع می‌توانست مشکلاتی را برای این شهر که دارای منابع اقتصادی چندانی نیز نبود، به وجود آورد. از این رو ایشان در مقام مرجع دینی و متولی امور حوزه، مجموعه‌ای از خدمات شهری، بهداشتی، رفاهی را برای عموم مردم قم به وجود آورد. همین مسئله موجب شده بود تا محبوبیت ایشان در میان مردم قم، اگر بیش از حوزه نبود، کمتر نیز نباشد. او تنها به تأمین نیازمندی‌های معنوی و دینی بسنده نکرد و نقش مؤثری در تأسیس «بیمارستان سهامیه»، «بیمارستان فاطمی»، «قبرستان و غسلخانه نو»، بنای سیل‌بند و سد در رودخانه قم، احداث واحدهای مسکونی برای سبیلزادگان شهر قم،^۱ تأسیس کتابخانه و مانند آن داشت.^۲ او حتی دارالاطعامی را نیز برای تأمین غذای نیازمندان تأسیس کرد.^۳

۵-۳. همزیستی و همدلی و ارتباط بی‌واسطه

آنچه ممکن است موجب ناخرسندی جامعه از حوزه‌ها شود، اعمال شأنیت‌ها و حرمت‌های تعیینی حوزه برای خود است؛ به این معنا که بزرگان یا اطرافیان به عللی که ممکن است موجه نیز دانسته شود، ارتباط مستقیم مردم با حوزه و حوزویان را محدود ساخته، مردم را وادار به رعایت محدودیت‌هایی در ارتباط‌گیری با حوزویان نمایند.

آیت‌الله حائری نه‌تنها از شأنیت‌های حوزوی، بلکه از شأنیت‌های متداول در عرف نیز - حتی المقدور - پرهیز می‌نمود، به‌گونه‌ای که خود در حجره طلاب حضور می‌یافت و با آنها گفت‌وگو می‌کرد. امام خمینی^{ره} روابط وی با طبقات گوناگون مردم را این‌گونه توصیف نموده است:

جناب استاد معظم و فقیه مکرم حاج شیخ عبدالکریم یزدی حائری - که از سال ۱۳۴۰ تا سال ۱۳۵۵ ریاست تامه و مرجعیت کامله قطر شیعیه را داشت، همه دیدیم که چه سیره‌ای داشت. با نوکر و خادم خود هم‌سفره و هم‌غذا بود و روی زمین می‌نشست.^۴

مجلس ایشان مختص به ادب خاصی نبود و هر صنف و گروهی از مجالست با ایشان خرسند و بهره‌مند بود. خوش‌اخلاقی، شوخ‌طبعی و اعتدال در معاشرت از ویژگی‌های ممتاز ایشان به‌شمار می‌رفت^۵ و طبیعی بود که چنین منشی جایگاه و تأثیرش را در جامعه دوچندان می‌نمود. ایشان حتی به طلاب و حوزویان بجد توصیه می‌کرد که حتی در مقابل بدرفتاری‌های برخی مردم گذشت کنند.^۶

۱. این سیل در دوم خرداد ۱۳۱۳ به وقوع پیوست.

۲. عبدالهادی حائری، تشیع و مشروطیت در ایران و نقش ایرانیان مقیم عراق، ص ۱۷۶-۱۷۹؛ سیدمحمدحسین منظورالاجداد، مرجعیت در عرصه اجتماع و سیاست، ص ۳۳۴.

۳. همان.

۴. سیدروح‌الله موسوی خمینی، چهل حدیث، ص ۹۷.

۵. علی کریمی جهرمی، آیت‌الله مؤسس مرحوم آقای حاج شیخ عبدالکریم حائری، ص ۵۴-۵۲.

۶. اولیاء شعبانی، معمار فضیلت، ص ۲۶-۲۷.

۶-۳. ساده‌زیستی و طهارت مالی

شاید آنچه پس از اخلاقیات و اعتقادات بیشترین تأثیر را در جلب نظر و اعتماد مردم داشته و غفلت از آن موجب بدبینی نسبت به حوزه‌های علمیه باشد تجمل‌گرایی و عدم ملاحظات مادی در زندگی اجتماعی است. امام خمینی^۱ نیز زندگی زاهدانه ایشان را چنین توصیف می‌کند: «مرحوم حاج شیخ عبدالکریم حائری ما از دنیا می‌رود؛ همان شب آقازاده‌های ایشان شام ندارند.»^۱ به نظر می‌رسد هرچه زعامت و مرجعیت ایشان بر حوزه علمیه راسخ‌تر و فراگیرتر می‌شد بهره‌مندی شخصی ایشان از مواهب مادی نیز کمتر می‌گردید، به‌گونه‌ای که برای ازدواج فرزندانشان مجبور به گرفتن قرض بود؛ قرضی که تا زمان وفاتش هم ادا نشد و طلبکار از اینکه وراثت مجبور به فروش اثاث و کتب ایشان نشوند از طلب خود گذشت.^۲

۷-۳. پرهیز از عوام‌زدگی

اعتدال و پرهیز از افراط و تفریط از ویژگی‌های اصلی هر نهاد موفق اجتماعی است. هرگونه خلل و لغزشی در این زمینه، به‌ویژه در حوزه‌های علمیه ممکن است تبعات فراگیری در باورها، اخلاقیات و سبک زندگی مردم داشته باشد؛ زیرا برخی به اشتباه به جای سوق دادن جامعه به تعالیم دینی، از تعالیم دینی برای توجیه رفتار عمومی استفاده می‌کنند یا دچار عوام‌زدگی علمی می‌شوند.

از منظر آیت‌الله حائری حوزه باید مانند پدری مهربان و دلسوز، باورها و عملکرد جامعه را منطبق با تعالیم دینی راهبری نموده، در مواقعی که دچار خرافات و کجروی می‌شود آن را به صراط مستقیم رهنمون گردد. از این رو ایشان خود در دسته عزاداری طلاب در روز عاشورا شرکت می‌جست و بر تحریف‌زدایی و خرافه‌گرایی از مراسم دینی همت می‌گماشت.^۳

ایشان استفاده از ادوات عزاداری را نیز محل اشکال می‌دانست و در مجالس روضه‌خوانی نیز بر صحیح خواندن روضه و استفاده از منابع معتبر تأکید داشت.^۴ حتی در مواردی اهل منبر را می‌آزمود و از تبلیغ رفتن افرادی که صلاحیت لازم را نداشتند ممانعت به عمل می‌آورد.^۵

۸-۳. محدود نماندن در قلمروهای جغرافیایی

از دیگر دیدگاه‌های آیت‌الله حائری در خصوص روابط حوزه تراز اسلامی با جامعه را می‌توان محدود نماندن به

۱. سیدروح‌الله موسوی خمینی، صحیفه نور، ج ۱۶، ص ۹۲.

۲. علی کریمی جهرمی، آیت‌الله مؤسس مرحوم آقای حاج شیخ عبدالکریم حائری، ص ۵۲-۵۴.

۳. همان، ص ۴۸-۵۰.

۴. همان، ص ۴۸-۵۰ و ۱۱۲.

۵. سیدمحمدحسین منظورالاجداد، مرجعیت در عرصه اجتماع و سیاست، ص ۳۳۳.

مرزهای جغرافیایی سیاسی یا فرقه‌ای دانست. ایشان با اینکه مجدد حوزه علمیه شیعی در قم بوده و خود فارغ‌التحصیل حوزه‌های کهنی همچون کربلا و نجف بود، اما از سایر ملل اسلامی غافل نبود. ایشان شرایط و بحران‌هایی را که در سایر جوامع اسلامی بود از نظر دور نمی‌داشت و اختلافات فرقه‌ای موجب نمی‌شد تا چشم خود را از واقعیت‌های جهان اسلام فروبندد.

سید محسن صدرالاشراف نظر آیت‌الله حائری را در خصوص مسئله فلسطین چنین توصیف می‌نماید:

خدمت حاج شیخ عبدالکریم رسیدم؛ از اوضاع وقت طوری گریه کرد که مثل باران اشک می‌بارید و گفت: انگلیسی‌ها حلقوم اسلام و مسلمین را گرفته‌اند و تا آن را خفه نکنند دست‌بردار نیستند.^۱

آیت‌الله حائری به این اظهار تأسف بسنده نکرد و در دی ماه ۱۳۱۲ و از طریق آیت‌الله سید محمد بهبهانی نامه‌ای را برای رضاشاه ارسال نمود و از او خواست مواضع مناسبی در مواجهه با دسیسه صهیونیست‌ها در اشغال فلسطین اتخاذ نماید.^۲ به‌رغم تقاضای ایشان و درخواست او مبنی بر انتشار این درخواست در جراید، اما دربار پهلوی از پاسخ‌گویی اجتناب نمود و حتی با انتشار نامه ایشان در جراید نیز موافقت نکرد.^۳

۴. رسالت حوزه تراز اسلامی در قبال دولتمردان

گرچه زعامت آیت‌الله حائری بر حوزه قم مصادف بود با حکمرانی رضاشاه پهلوی، اما چنین شرایطی منافاتی با این موضوع نداشت که برای هر فعالیت مؤثر اجتماعی گریزی جز برقراری روابط با دولتمردان نباشد، به‌ویژه اینکه حوزه تراز اسلامی مبتنی بر تعالیم اسلامی نمی‌تواند نسبت به رخدادهایی که تحت تدبیر و مواضع دولتمردان در جامعه به وقوع می‌پیوندد بی‌تفاوت باشد.

عصر آیت‌الله حائری به علت تحولات پس از مشروطه، انقراض قاجاریه، شروع به کار سلسله پهلوی، همچنین جنگ جهانی اول و مناقشات مستمر استعمارگران با ملت‌ها، دوره‌ای مملو از فراز و نشیب‌های سیاسی و اجتماعی بود، آنچه شگفت به نظر می‌رسد رونق و شکوفایی حوزه در این دوره پریچ‌وخم است. شاید بتوان گفت: از دیدگاه آیت‌الله حائری اصول حاکم بر روابط حوزه تراز اسلامی با دولتمردان عبارتند از:

۱-۴. بصیرت و عقلانیت سیاسی

از دیدگاه آیت‌الله حائری، داشتن رویکرد سیاسی و اجتماعی مستلزم ورود به هر مناقشه یا موضع‌گیری در هر رخداد سیاسی نیست، بلکه به معنای بصیرت و عقلانیت سیاسی و رصد صحیح تحولات و عمل مبتنی بر مصالح است. او

۱. محسن صدر، خاطرات صدرالاشراف، ص ۲۹۳.

۲. سازمان اسناد ملی ایران، اسناد وزارت امور خارجه، شماره تنظیم ۱۲-۱۰۲۶۰۰.

۳. همان، ش ۱۰۲۰۰۶، پاکت شماره ۸۸۵.

– آنچنان که پیش‌تر ذکر شد – کنشگری در عرصه سیاست، به‌ویژه در ایران را به علت عدم شفافیت جریان‌ها و احزاب سیاسی، کاری سخت و نیازمند دقت می‌دانست^۱ و در مقابل طلاب جوان یا بزرگانی که قادر به درک این مخاطره نبودند و از ایشان حضور سیاسی فعال‌تری را مطالبه می‌نمودند، مقاومت می‌کرد.^۲

امام خمینی^{علیه‌السلام} که خود بنیانگذار انقلاب اسلامی ایران بود، با صحنه گذاشتن بر رویکرد سیاسی آیت‌الله حائری در قبال دولتمردان معتقد بود: «تأسیس حوزه علمیّه قم در آن روز از جهت سیاسی، کمتر از تأسیس جمهوری اسلامی در ایران امروز نبود».^۳

امام با صراحت راه خود را استمرار همان مسیر استاد خویش دانسته، می‌فرمود: «طریقه ما همان طریقه شیخ است، منتهی شیوه برخورد ما با ایشان، به جهت تغییر در اوضاع و احوال زمانه، مقداری متفاوت است».^۴

آیت‌الله حائری در دوره‌ای واقع شده بود که پیش از این مقتدایش امام صادق^{علیه‌السلام} در گذر از عصر اموی (۱۳۲-۴۰ق) به عصر عباسی (۶۵۶-۱۳۲ق) واقع شده بود. از این‌رو تلاش داشت تا از این فرصت به نفع ارتقای علوم دینی و معرفت سود جوید، به گونه‌ای که برخی رابطه وی با سلسله جدیدالتأسیس پهلوی در سال‌های نخست را خصمانه توصیف نموده‌اند.^۵

آیت‌الله حائری به‌رغم تظاهر رضاخان به تبعیت از حوزه و حتی تقلید از آیت‌الله حائری،^۶ اما به خوبی می‌دانست که رضاخان به دنبال بهانه‌ای برای از بین بردن اساس حوزه است.

۲-۴. نیازسنجی و اولویت‌سنجی در روابط و مواضع

آیت‌الله حائری در کشاکش مواضع و مناقشات سیاسی، تنها یک اولویت را دنبال می‌کرد و آن حفظ حوزه علمیّه از تهدیدها بود؛ زیرا به خوبی می‌دانست که دولت پهلوی به دنبال تعطیل کردن حوزه است. ایشان در بسیاری از چالش‌های سیاسی از اولویت خود غافل نمانده و حتی نسبت به تعدی‌های پهلوی نسبت به بزرگانی همچون شهید سیدحسین مدرس (شهادت ۱۳۱۶ش) علی‌رغم درخواست‌های خانواده ایشان، از هرگونه اقدام مستقیم خودداری نمود.^۷

۱. آیت‌الله حائری می‌فرمود: «من اگر در کشور فرانسه، انگلیس و روس بودم، مسلماً در سیاست دخالت می‌کردم؛ چون خطوط سیاسی در آنجا روشن بوده و از جایی دیگر این جریان‌ها تحمیل نمی‌شود» (عمادالدین فیاضی، حاج شیخ عبدالکریم حائری، ص ۷۸-۷۹).

۲. یحیی دولت‌آبادی، حیات یحیی، ج ۴، ص ۲۸۹؛ سیدمحمدحسین منظور الاجناد، مرجعیت در عرصه اجتماع و سیاست، ص ۳۱۹.

۳. گروهی از نویسندگان، امام و روحانیت، ص ۱۷۳.

۴. سیدعباس خاتم یزدی، خاطرات آیت‌الله خاتم یزدی، ص ۱۶۵.

۵. یحیی دولت‌آبادی، حیات یحیی، ج ۴، ص ۲۸۹؛ مهدی حائری یزدی، خاطرات دکتر مهدی حائری یزدی، ص ۱۷ و ۶۵.

۶. محمدعلی اراکی، «سخنی در پایگاه اصلی انقلاب»، ص ۲۷.

۷. حمید بصیرت‌منش، علما و رژیم رضاشاه، ص ۳۳.

آیت‌الله حائری حتی در خصوص توهین و ضرب و شتم نماینده خود شیخ محمدتقی بافقی (۱۳۲۵ق) توسط مأموران پهلوی از واکنش خودداری کرد و این مصایب را در گلو فرو خورد؛ زیرا به نظر می‌رسید رضاخان عملاً به دنبال تحریک حوزه بود و تصمیم داشت در اولین واکنش، بزرگان حوزه را تبعید و آن را تعطیل نماید. رضاخان در ماجرای ضرب و شتم بافقی به صراحت گفته بود:

اگر حاج شیخ عبدالکریم نفس می‌کشید، یک کلمه‌ای می‌گفت، فوری ماشین در خانه‌اش حاضر می‌کردم و می‌فرستادمش آنجا که عرب نی انداخت.^۱

آیت‌الله حائری تلاش داشت به جای موضع‌گیری‌های پرهزینه‌گاه و بیگاه در امور سیاسی، حوزه‌ای را در قلمرو داخلی ایران بنیان نهد که تربیت‌کننده نسلی از روحانیان و عالمان سیاسی باشد. با این حال بهانه‌جویی‌های رضاخان گاهی دامنگیر وی می‌شد. زمانی که وی با فرمان کشف حجاب رضاخانی مخالفت کرد، رضاخان شخصاً به قم آمد و آیت‌الله حائری و البته حوزه قم را چنین تهدید نمود:

رفتارتان را عوض کنید، وگرنه حوزه قم را با خاک یکسان می‌کنم. کشور مجاور ما (ترکیه) کشف حجاب کرده و به اروپا ملحق شده است، ما نیز باید این کار را بکنیم و این تصمیم هرگز لغو نمی‌شود.^۲

۳-۴. تدبیر و رعایت مصالح

سیره سیاسی آیت‌الله حائری ثابت کرده است که ایشان معتقد بود: تنها مبارزه با سلطان جائر برای غلبه بر سلطنت کافی نیست، بلکه اصل تدبیر و سنجش عواقب اقدامات بسیار اهمیت دارد. ایشان معتقد بود: ورود حساب نشده مرجعیت در منازعات سیاسی آثار زیانباری دارد. بدین‌روی در سیاست‌گذاری حوزه‌های علمیه، در کنار شجاعت، به تدبیر و توجه به مصالح زمانه بسیار اهمیت می‌داد. از این‌رو وقتی فهمید رضاخان درصدد برچیدن نهاد روحانیت شیعه در ایران است، از رفتارهای سیاسی هیجان‌زده در مبارزه با او که می‌توانست زمینه نابودی حوزه و روحانیت شیعه در ایران را به دنبال داشته باشد، خودداری کرد. شاید بر همین اساس، در مواردی همچون واقعه توهین رضاخان به نماینده‌اش شیخ محمدتقی بافقی، واکنشی نشان نداد.^۳

او حتی گاهی نقش میانجی را در مناقشات برخی از علما با سلطنت ایفا می‌نمود؛ مانند مطالبات حاج سیدابوالحسن اصفهانی، نائینی و خالصی از احمدشاه قاجار در موضوع اخراج علما از عراق^۴ یا مناقشات حاج نورالله اصفهانی (م ۱۳۰۶ق) با رضاشاه پهلوی در موضوع خدمت اجباری.^۵

۱. محمدعلی اراکی، «سخنی در پایگاه اصلی انقلاب» ص ۲۷؛ ابوالفضل شکوری، «مرجع‌دوراندیش و صورت آیت‌الله حائری، مؤسس حوزه علمیه قم»، ص ۱۴۶.

۲. ابوالفضل شکوری، «مرجع‌دوراندیش و صورت آیت‌الله حائری، مؤسس حوزه علمیه قم»، ص ۱۰۶.

۳. سیدمحمدحسین منظور الاجداد، مرجعیت در عرصه اجتماع و سیاست، ص ۲۳۶.

۴. عبدالهادی حائری، تشیع و مشروطیت در ایران و نقش ایرانیان مقیم عراق، ص ۱۸۱.

۵. سیدمحمدحسین منظور الاجداد، مرجعیت در عرصه اجتماع و سیاست، ص ۲۲۱-۲۲۲.

از سوی دیگر می‌دانست تشخیص مراجع نسبت به مسائل سیاسی متفاوت است و هرکس موظف است طبق وظیفه خویش عمل نماید. از این رو در بحبوحه مناقشات مشروطه‌خواهان و مخالفان مشروطه در حوزه‌های علمیه عتبات و حمایت مرحوم *آخوند خراسانی* (م ۱۳۲۹ق) از مشروطه و مخالفت سیدمحمدکاظم یزدی (م ۱۳۳۷ق) با مشروطه، به صورت همزمان در درس هر دو بزرگوار شرکت می‌جست و از نظریات ایشان در دروس خود استفاده می‌کرد.^۱

مواضع به‌ظاهر منفعلانه *آیت‌الله حائری* نسبت به رفتارهای تحریک‌آمیز یا فرصت‌طلبانه *رضاخان* موجب شده بود تا هم رژیم *پهلوی* نتواند رفتار براندازانه‌ای را نسبت به حوزه علمیه قم انجام دهد و حوزه را تعطیل کند و هم حوزه بتواند به حیات اجتماعی و معنوی خود ادامه داده، آینده سختی را برای دولت *پهلوی* ترسیم نماید.

نماینده جسور دولت که با پیام‌ها و رفتارهای تحریک‌آمیز درصدد به‌دست آوردن جملاتی در نقد یا تأیید دولت بود، مأیوس از به‌دست آورده نکته‌ای منزل ایشان را ترک می‌کرد. به نظر می‌رسد آنچه او را از نزدیک شدن به دولت یا مقابله با دولت بازمی‌داشت اصل «تدبیر» و رعایت مصالح حوزه بود.^۲

۴-۵. تعدیل سیاست‌های دولتمردان

چنان که گذشت، *آیت‌الله حائری* می‌دانست دولت *پهلوی اول* به دنبال بهانه‌ای برای نابودی حوزه علمیه قم است و یکی از این بهانه‌ها می‌توانست مخالفت‌های صریح و رودروری مرجعیت با سلطنت باشد. بدین‌روی آن مرجع عظیم‌النشان در موارد متعددی از مواجعه مستقیم با دولتمردان پرهیز می‌نمود و می‌کوشید در عین عمل به رسالت‌های دینی و اجتماعی خود، حتی‌المقدور حوزه و ساحت دین را از واکنش‌های پرمخاطره صاحبان قدرت دور بدارد.

ایشان در مواردی با تصمیمات کلی دولت به صورت مشروط همراهی نشان می‌داد، ولی در عین حال می‌کوشید با تغییراتی آن را در جهت اهداف و منافع دینی و عمومی مدیریت نماید. از جمله این موارد تصمیم دولت مبنی بر ضرورت صدور مجوز برای استفاده از لباس روحانیت بود. ایشان با برگزاری آزمون از سوی دولت مخالفت جدی نکرد و در کنار آن توانست موافقت دولتمردان مبنی بر پذیرش فهرستی جداگانه از سوی ایشان برای طلاب مجاز برای استفاده از لباس روحانیت را جلب نماید.^۳

۱. همان، ص ۳۱۹.

۲. همان؛ عبدالهادی حائری، *تشیع و مشروطیت در ایران و نقش ایرانیان مقیم عراق*، ص ۱۷۶-۱۷۹.

۳. داود امینی، «مروری بر زندگی آیت‌الله حاج شیخ عبدالکریم حائری یزدی؛ بنیانگذار حوزه علمیه قم به روایت اسناد»، دفتر ۱، ص ۱۸-۱۶، اسناد ۵-۱.

نتیجه گیری

آیت‌الله شیخ عبدالکریم حائری یزدی از معدود عالمانی بود که توانست در دوره پرمخاطره پهلوی اول و آن زمان که جامعه ایران به سبب پیامدهای مشروطه و انقراض قاجاریه و روی کار آمدن پهلوی، همچنین جنگ جهانی اول و نهضت‌های ضداستعماری در جهان اسلام دچار تحولات گسترده بود، مجموعه‌ای از اقدامات و تدابیر و سیاست‌ها را برای احیای حوزه علمیه قم و شکوفایی و پویایی آن به کار بندد که نتیجه آن ظهور حوزه علمیه با جایگاه، کارکردها و رسالت‌های جدید بود.

از این رو واکاوی حوزه تراز اسلامی ناظر به دیدگاه‌های ایشان که در عملکردها و مواضع ایشان منعکس است، می‌تواند نموداری از تجارب موفق را در پیشگاه عالمان و مدیران حوزه‌های علمیه قرار دهد.

آیت‌الله حائری با در نظر گرفتن سه گروه از مخاطبان حوزه تراز اسلامی (طلاب، جامعه و دولتمردان)، تدابیر و مؤلفه‌هایی را طراحی کرد و آنها را به اجرا درآورد که ناظر به استعدادها، فرصت‌ها و تهدیدهایی بود که در هر زمان ممکن است در خصوص برخی یا تمام مخاطبان و کاربران حوزه قابل تصور باشد.

اصل «حاکمیت اخلاق و تربیت اسلامی»، اصل «تأمین معاش»، اصل «مدیریت و برنامه‌ریزی» را می‌توان از مهم‌ترین اصول آیت‌الله حائری در قبال حوزویان شمرد.

اصل «جلب اعتماد»، «توجه به استعدادها و ظرفیت‌ها»، «اهتمام ورزیدن به نیازمندی‌های مادی و معنوی»، و «همدلی و ساده‌زیستی» اصول مورد عنایت آیت‌الله حائری در قبال قاطبه مردم و جامعه بود.

در مواجهه با دولتمردان که البته ناظر به عصر آیت‌الله حائری و در مواجهه با نظام استبدادی و پرمخاطره پهلوی اول توجیه‌پذیر است، چند اصل مهم وجود داشت؛ از جمله «بصیرت و عقلانیت سیاسی»، «اولویت‌سنجی»، «تدبیر و رعایت مصالح» و در نهایت، «تعدیل سیاست‌های دولتمردان».

مجموعه این مفاهیم و کاربست‌ها را می‌توان اصول و مؤلفه‌های حوزه تراز اسلامی از دیدگاه آیت‌الله حائری دانست که البته در مجال محدود این مقاله به آنها اشاره شد.

منابع

- احمدی، محمدرضا، *خاطرات آیت‌الله محمدعلی گرامی*، تهران، مرکز اسناد انقلاب اسلامی، ۱۳۸۱.
- اراکي، محمدعلی، «مصاحبه با استاد بزرگوار آیت‌الله العظمی اراکی»، *آئینه‌داران حقیقت: مصاحبه‌های مجله حوزه با عالمان و دانشوران حوزوی*، تهیه و تدوین مجله حوزه، قم، بوستان کتاب، ۱۳۸۲.
- _____، «سخنی در پایگاه اصلی انقلاب»، *یاد*، ۱۳۶۵، ش ۴، ص ۲۳-۵۰.
- امین، سیدمحسن، *اعیان الشیعه*، بیروت، دارالتعارف، بی‌تا.
- امینی، داود، «مروری بر زندگی آیت‌الله حاج شیخ عبدالکریم حائری یزدی بنیانگذار حوزه علمیه قم به روایت اسناد»، *گنجینه اسناد*، ۱۳۷۴، سال پنجم، دفتر ۳ و ۴، ص ۱۲-۳۷.
- بصیرت‌منش، حمید، *علما و رژیم رضاشاه*، تهران، عروج، ۱۳۷۶.
- حائری یزدی، مرتضی، *سر دلبران: عرفان و توحید ناب در ضمن داستان‌ها*، به کوشش رضا استادی، قم، انصاری، ۱۳۷۷.
- حائری یزدی، مهدی، *خاطرات دکتر مهدی حائری یزدی*، به کوشش حبیب لاچوردی، تهران، کتاب نادر، ۱۳۸۱.
- حائری، عبدالهادی، *تشیع و مشروطیت در ایران و نقش ایرانیان مقیم عراق*، تهران، امیرکبیر، ۱۳۸۱.
- حسینی زنجانی، سیداحمد، *الکلام یجر الکلام*، قم، حق‌بین، ۱۳۶۸.
- خاتم یزدی، سیدعباس، *خاطرات آیت‌الله خاتم یزدی*، تهران، مرکز اسناد انقلاب اسلامی، ۱۳۸۱.
- دولت‌آبادی، یحیی، *حیات یحیی*، چ چهارم، تهران، عطار، ۱۳۶۲.
- دیدار رهبر معظم انقلاب با روحانیان، ۱۳۷۰/۱۲/۱.
- ذاکری، علی‌اکبر، «رفتارشناسی سیاسی آیت‌الله حائری»، *حوزه*، ۱۳۸۳، سال بیست و یکم، ش ۶ رازی، محمدشریف، *آثار الحجة*، قم، دارالکتب، ۱۳۶۵.
- ریحان‌الله یزدی، سیدعلیرضا، *آئینه دانشوران*، تهران، مصطفوی، ۱۳۵۴.
- سازمان اسناد ملی ایران، *اسناد وزارت امور خارجه*، ش تنظیم ۱۲-۱۰۲۶۰۰.
- سیدکباری، علیرضا، *حوزه‌های علمیه شیعه در گستره جهان*، تهران، امیرکبیر، ۱۳۷۸.
- شبیبری زنجانی، سیداحمد، *جنگل مولی؛ سفرنامه از زنجان تا قم*، بی‌جا، بی‌تا.
- شعبانی، اولیاء، *معمار فضیلت*، قم، مرکز پژوهش‌های صدا و سیما، ۱۳۸۰.
- شکوری، ابوالفضل، «مرجع دوران‌دیش و صبور آیت‌الله حائری، مؤسس حوزه علمیه قم»، *یاد*، ۱۳۶۸، ش ۱۷، ص ۱۰۳-۱۶۲.
- شمس، سیدمحمدکاظم و دیگران، *مؤسس حوزه*، قم، بوستان کتاب، ۱۳۸۳.
- صدر، محسن، *خاطرات صدرالاستراف*، بی‌جا، وحید، ۱۳۶۴.
- طیسی، محمدرضا، «مصاحبه با آیت‌الله حاج شیخ محمدرضا طیسی»، *حوزه*، ۱۳۶۸، ش ۳۴.
- فیاضی، عمادالدین، *حاج شیخ عبدالکریم حائری*، تهران، مرکز اسناد انقلاب اسلامی، ۱۳۷۸.
- کریمی جهرمی، علی، *آیت‌الله مؤسس مرحوم آقای حاج شیخ عبدالکریم حائری*، قم، دارالحکمه، ۱۳۷۲.
- گروهی از نویسندگان، *امام و روحانیت*، تهران، دفتر سیاسی سپاه پاسداران انقلاب اسلامی، ۱۳۶۲.
- «گفت‌وگوی آیت‌الله مرعشی نجفی از شاگردان شیخ عبدالکریم»، مؤسسه مطالعات و پژوهش‌های سیاسی، در:
- <https://psri.ir/page=search>
- محقق داماد، سیدعلی، «مصاحبه با حضرت آیت‌الله حاج سیدعلی آقا محقق داماد»، *حوزه*، ۱۳۸۳، ش ۱۲۶، ص ۱۳-۸۴.
- محقق داماد، سیدمصطفی، «مصاحبه با حجت‌الاسلام والمسلمین دکتر سیدمصطفی محقق داماد»، *حوزه*، ۱۳۸۳، ش ۱۲۵، ص ۳۰-۱۴۸.
- محمدی، ذکرائه، *حضرت آیت‌الله حاج شیخ عبدالکریم حائری*، قم، زائر، ۱۳۸۳.

۵۰ ♦ تاریخ اسلام در آینه پژوهش، سال نوزدهم، شماره اول، پیاپی ۵۲، بهار و تابستان ۱۴۰۱

منظور الاجداد، سید محمد حسین، مرجعیت در عرصه اجتماع و سیاست: اسناد و گزارش‌هایی از آیات عظام نائینی، اصفهانی، قمی،

حائری و بروجردی، ۱۲۹۲ تا ۱۳۳۹ شمسی، تهران، شیرازه، ۱۳۷۹.

موسوی خمینی، سید روح‌الله، چهل حدیث، تهران، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی، ۱۳۸۰.

____، صحیفه نور، تهران، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی، بی‌تا.

نوری، میرزا حسین، مستدرک الوسائل، بیروت، آل‌البیت، ۱۴۰۸ق.

نیکو برش، فرزانه، بررسی عملکرد سیاسی آیت‌الله حاج شیخ عبدالکریم حائری یزدی، تهران، بین‌الملل، ۱۳۸۲.

ویکی‌فقه، مدخل «ابراهیم‌بن محمد ریاضی نجف‌آبادی» و مدخل «محمدعلی شاه‌آبادی»، در: <https://fa.wikifeqh.ir>



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی